

زنان



فاطمه خردمند
کارشناس ارشد مطالعات اسلامی

سمیه صادقی
دکترای مهندسی صنایع

جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۳ به تنهایی به یک زن اهدا شد. این خبر به تنهایی خبر مهمی بود، چه رسد به اینکه این جایزه به دلیل تحقیقات وی در مورد مشارکت اقتصادی زنان به او اعطا شده است. مقاله حاضر به اختصار به شرح تحقیقات او و نقد و بررسی آن می پردازد.

بهره‌زنان اقتصاد

بررسی پژوهش کلودیا گلدن، برنده جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۳، با موضوع «مشارکت زنان در بازار کار جهانی»

در حالی که در بسیاری از نقاط جهان تبعیض جنسیتی نیروی کار، غیرقانونی است، زنان همچنان در مقایسه با مردان با کمبود قابل توجهی در مشارکت و میزان دستمزد مواجه هستند. حضور زنان و مردان در بازار کار جهانی به ترتیب ۵۰٪ و ۸۰٪ است. ضمن آنکه، درآمد زنان به طور متوسط ۱۳ درصد کمتر از مردان است. (اگرچه شکاف جنسیتی طبق دیدگاه ما شاخص گویا و کارآمدی نیست اما شکاف جنسیتی مشارکت در کشور ما بازنتر بوده و در سال ۱۴۰۲ نرخ مشارکت مردان ۶۸٪ و زنان ۱۴٪ می باشد.) وقتی زنان از فرصت‌های مشابه مردان برای مشارکت در بازار کار بهره‌مند نباشند، یا با شرایط نابرابر مشارکت کنند، نیروی کار و تخصص به هدر می رود. بنابراین، درک چرایی تفاوت‌های جنسیتی در بازار کار، از طرفی به استفاده حداکثری از منابع جامعه می انجامد و از سوی دیگر نقش انتظارات و انتخاب‌های شغلی زنان را روشن می کند. در سال ۲۰۲۳، برای نخستین بار زنی به تنهایی برنده جایزه نوبل اقتصاد شده است. کلودیا گلدین تقریباً تمام دوران حرفه‌ای خود را صرف تحقیق در مورد عوامل ایجاد شکاف جنسیتی مستمر در بازار کار و راهکارهای کاهش آن کرده و گزارش جامعی از نقش زنان در بازار کار ارائه کرده است. تحقیقات او نیروهای محرک پشت تغییرات تاریخی را روشن و علل اصلی تفاوت در مشارکت و درآمد جنسیتی‌ها را شناسایی می کند. او نه تنها علل تغییر را شناسایی کرده، بلکه منابع اصلی شکاف مداوم دستمزد را نیز مشخص کرده، و روشن می کند که چرا نابرابری دستمزد بین مردان و زنان همچنان ادامه دارد. طبق دیدگاه گلدین موانع باقیمانده در مسیر کاهش شکاف جنسیتی درآمد، که در این متن برجسته کرده‌ایم، دارای یک ویژگی مشترک است: «نقش اساسی خانواده، فرزندان، و رویکرد بازار کار به تفاوت‌های جنسیتی در عرضه نیروی کار و دستمزد» یکی از مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات گلدین این است که تفاوت در دستمزد و مشارکت نیروی کار نه به دلیل تفاوت‌های بیولوژیک، بلکه به دلیل نحوه تقسیم کار بین زوج‌ها در امور مراقبتی و خانگی رخ می دهد. تحقیقات گلدین نشان می دهد بخش

عمده‌ای از شکاف درآمدی کنونی بین مردان و زنان در مشاغل یکسان، پس از تولد اولین فرزند یک زن ظاهر می شود. وی معتقد است که والد شدن نقطه‌ای کلیدی در تمایز درآمد مردان و زنان است. در واقع، والد شدن بر درآمد زنان تأثیر منفی دارد در حالی که ممکن است درآمد مردان را افزایش دهد. اشتغال، درآمد و ساعات کار زنان بلافاصله پس از زایمان کاهش و در سال‌های بعد نیز ادامه می یابد. در حالی که مردان در طی این سال‌ها با آرامش ناشی از واگذاری امور خانه و فرزندان به همسر خود، با دستیابی به تجربه و مشاغل بهتر، به درآمد بالاتر می رسند. گلدین و همکارانش این واقعیت را «جریمه مادری» می نامند. گلدین که خود نیز فرزندی ندارد و اغلب مقالات خود را با همسرش، لارنس کاتز، اقتصاددان دانشگاه هاروارد می نویسد، می گوید: «ما هرگز به برابری جنسیتی و کاهش شکاف دستمزد نمی رسیم، مگر اینکه برابری زوجین داشته باشیم. اگر زنان بتوانند در خانواده به برابری دست یابند، در محل کار نیز شانس بیشتری برای دستیابی به برابری دارند.» بنابراین یافته‌های گلدین، تقسیم کار برابر در امور منزل و فرزندپروری و به تعبیر او اعتقاد به زوج ۵۰-۵۰، هر چند ممکن است به شادتر شدن زوجین بی انجامد، اما در نهایت آنها را فقیرتر می کند. وی علت این امر را وجود شغل‌های حریصانه در بازار کار می داند. «شغل‌های حریصانه» مشاغلی هستند که دارای ساعات کاری طولانی و نامنظم بوده و درآمد آنها به طور چشمگیری بیش از مشاغل انعطاف پذیر است. همان طور که گلدین اشاره می کند، افراد برای رسیدن به قله درآمدی شغل‌های حریصانه، ناگزیر به اولویت دادن کار بر خانواده هستند و این امر خانواده‌ها را با انتخاب سختی مواجه می کند: در نهایت، حداقل یکی از والدین باید در خانه در دسترس باشد، و این نقش، هنوز بر عهده زن است. گلدین نقش‌های ویژه زنانه و مادانه را به دلیل درآمدزا نبودن کم‌ارزش تشخیص داده و آنها را مانعی برای کاهش شکاف درآمدی باقیمانده می داند. گرچه قابل درک است که برای وی به عنوان یک اقتصاددان کسب درآمد در اولویت باشد، ولی

به عنوان یک زن انتظار می رود در تحلیل‌های نقش‌های زنانه را بسیار ارزشمندتر ببیند، اما ظاهراً او نیز در پیش فرض‌های خود در تعریف کار، نیروی کار، کار درآمدزا و حتی توسعه به موضعی متفاوت از ندای مردانه دست نیافته است. گویا زن موفق در نظر گلدین زنی است که مرد باشد. ساده‌ترین گواه این ادعا، نظری مبنی بر تأثیر مهم قرص‌های جلوگیری از بارداری در پیشرفت زنان و کسب موقعیت‌های برابر با مردان است. با این دید، افزایش مشارکت زنان، ناگزیر از کاهش نرخ باروری خواهد بود. بویژه در جوامعی که از فقدان سیاست‌های حمایتی مناسب برای مادران رنج می برند. در این راستا می توان به مقالات آمارتیا سن برنده نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۸ اشاره کرد. او با طرح دو مفهوم قابلیت و آزادی کوشیده است تعریف فراگیرتری از مفهوم توسعه ارائه دهد. یکی از وجوه عدم آزادی شریاطی است که در آن زنان امکان پیشرفت و حضور اجتماعی متناسب با توانمندی‌ها و علاقه‌مندی‌های خود را نداشته باشند. در واقع مسیرهای توسعه یافتگی زنان و امکان دستیابی آنها به منابع قدرت و ثروت باید به گونه‌ای تعریف شود که هم متناسب با قابلیت‌های آنها باشد و هم زنان در این مسیر آزادی انتخاب داشته باشند. اینکه زنان برای رسیدن به رشد اقتصادی مجبور باشند طبیعت زنانه خود را به حاشیه برانند نسبتی با آزادی ندارد. نتایج مطالعات خانم گلدین نیز نشان می دهد که با وجود تحولات عالی زنان، نرخ برابر مردان و زنان در ورود به بازار کار و کاهش شکاف جنسیتی، امروز همچنان حدی از شکاف جنسیتی درآمد باقی مانده است که به نظر می رسد بسته شدن آن دشوار باشد. یافته‌های گلدین نشان می دهد که افزایش بودجه دولت برای مراقبت از کودکان، سیاست‌های حمایتی در مورد مرخصی مادران و تعدد مشاغل پردرآمد، انعطاف پذیر و سازگار با خانواده، می تواند به کاهش شکاف دستمزد جنسیتی کمک کند، اما حدی از این شکاف همچنان باقی مانده است. گویا کماکان بسیاری از زنان در چالش بین شغل و خانواده، خانواده را ترجیح می دهند، که می تواند بر فطری بودن این گرایش دلالت داشته باشد.



یافته‌های گلدین نشان می دهد که افزایش بودجه دولت برای مراقبت از کودکان، سیاست‌های حمایتی در مورد مرخصی مادران و تعدد مشاغل پردرآمد، انعطاف پذیر و سازگار با خانواده، می تواند به کاهش شکاف دستمزد جنسیتی کمک کند، اما حدی از این شکاف همچنان باقی مانده است. گویا کماکان بسیاری از زنان در چالش بین شغل و خانواده، خانواده را ترجیح می دهند، که می تواند بر فطری بودن این گرایش دلالت داشته باشد.

